

دانیل ه پینک

---

---

# ذهن کامل نو

گذار از عصر اطلاعاتی به عصر مفهومی

---

---

ترجمه‌ی

رضا امیررحیمی



## فهرست

۱۱	پیش‌گفتار ویراست تازه
۱۷	مقدمه

### بخش یکم

#### عصر مفهومی

۲۵	فصل یکم: ظهور مغز راست
۵۱	فصل دوم: فراوانی، آسیا، و خودکاری
۷۷	فصل سوم: مفهوم بالا، حس بالا

### بخش دوم

#### حواس شش‌گانه

۱۰۱	فصل چهارم: طراحی
۱۳۹	فصل پنجم: داستان
۱۷۱	فصل ششم: هم‌نوایی
۲۰۳	فصل هفتم: هم‌دلی
۲۳۵	فصل هشتم: بازی
۲۶۹	فصل نهم: معنا
۳۰۱	پایان سخن

## پیش‌گفتار ویراست تازه

آیا دنیا به ذهنی کامل و نو نیاز دارد؟

این پرسشی است که از زمان انتشار ویراست یکم این کتاب در ایالات متحده، یعنی از سال ۲۰۰۵، بارها با من در میان گذاشته‌اند. و به منظور نوشتن پیش‌گفتار ویراست بین‌المللی و تازه‌ی کتاب بار دیگر به آن اندیشیدم.

پاسخ کامل‌ام را بلافاصله خواهم داد. اما اجازه بدهید با نظری اجمالی به دنیای نه‌چندان دلفریب نگارش شروع کنم. به‌طور مثال، در مقایسه با مدیریت سرمایه‌گذاری تأمین در محله‌ی تجاری و مالی شهر لندن یا بازیگری در فیلم‌های هالیوود، نوشتن کتاب واقعاً پردرآمد نیست. اما بی‌بهره ماندن از پول نقد، با دو پول رایج دیگر جبران می‌شود: ای‌میل و امتیاز طول پرواز<sup>۱</sup>.

همانند شمار اندکی از نویسندگان، آدرس ای‌میل‌ام را در همه‌ی کتاب‌هایی که می‌نویسم می‌گنجانم. این کار چند مزیت دارد. خواننده‌های پردل و جرأت اغلب اشتباهات چاپی و سایر غلط‌ها را پیدا می‌کنند که

---

۱. frequent flier Miles، بسیاری از شرکت‌های هواپیمایی برای مسافرینی که به‌طور مرتب با آنها پرواز می‌کنند متناسب با طول و تعداد پروازشان امتیازهایی در نظر می‌گیرند. این امتیازها می‌تواند به صورت کیلومتر پرواز مجانی یا ارانه‌ی خدمات خاص باشد. این امتیازها در مواردی قابل واگذاری به دیگران است. — م.

منجر به تصحیح آن‌ها در چاپ‌های بعدی می‌شود. مهم‌تر این‌که پیام‌های نوشتاری الکترونیک نشان می‌دهد که آیا آن‌چه نویسنده می‌گوید در زندگی خوانندگان اهمیتی دارد یا نه. اگر ای میلی نرسد به این معنی نیست که همه موافق‌اند، به احتمال زیاد به این معنی است که هیچ‌کس علاقه‌ای به موضوع ندارد.

از این نظر، واکنش به کتاب *ذهن کامل نو* مرا هیجان‌زده کرد. کتاب به ۱۶ زبان ترجمه، و در شش قاره منتشر شده است. (لغت بر قطب جنوب!) در نتیجه، چند هزار ای میل بر سرم بارید، که بسیاری از آن‌ها از خارج امریکای شمالی بود.

این خوانندگان بین‌المللی به گفته‌های من در این باره که اقتصادهای قرن بیست‌ویکم به توانایی‌های مغز راست بیش از مغز چپ بها می‌دهند، به طور منظم دو واکنش نشان داده‌اند. یک واکنش: «این خود من است.» دیگری: «این طوری خوب است.»

به عنوان مثال، کلایو<sup>۱</sup> که از اهالی کاونتری<sup>۲</sup> در بریتانیای کبیر است، ای میلی فرستاد تا بگوید: «عاقبت کتابی منتشر شد که به ما مردمان راست-مغز کمک می‌کند..... در بیشتر اوقات زندگی شاهد بوده‌ام که ما خلاق‌ها را 'خیالباف' می‌نامند. احساس کردم کتاب شما مرا سرشار از امید به آینده کرده است.»

سمیر<sup>۳</sup> از جنوب فرانسه در ای میلی نوشت: «شما زندگی من و استنباطم از دنیا را تغییر دادید». او اضافه کرد به این دلیل که «فرانسوی عرب‌تبار» است برای آینده‌ای با ذهنیت کامل<sup>۴</sup> در موقعیت مناسبی است. اومش<sup>۵</sup>، مشاور آموزشی شرکتی در دهلی نو، اذعان کرد: «من در رشته‌ی مهندسی شیمی انستیتوی فناوری هند<sup>۶</sup> در دهلی تحصیل کردم. اما در وهله‌ی اول از طریق نمرات دروس علوم انسانی کارم گذشت.

همچنین معتقدم که عمده‌ی آموزش مربوط به کارم را از تئاتر دانشکده گرفتیم و نه از علم دینامیک راکتور<sup>۱</sup>»

و مگی<sup>۲</sup> از ملبورن ای میلی فرستاد تا خاطرنشان کند «سال‌ها مبارزه کردم، اما در نهایت پذیرفتم که برای حرفه‌ام خیلی 'راست-مغز'ام». او نوشته بود: «به این دلیل کتاب شما وجودم را لبریز از شادی کرد.»

در ملاقات‌های زودرو رو نیز با واکنش‌های یکسانی روبه‌رو شدم. در سال گذشته این توفیق را داشتم که برای مخاطبینی در اروپا، آسیا، آفریقا، و خاورمیانه، درباره‌ی این مجموعه از اندیشه‌هایم حرف بزنم. آن‌چه مردم رو در رو به من گفته‌اند چیزی را که کامپیوتر به کامپیوتر شنیده بودم تأیید می‌کرد.

در استانبول، گروهی از بازاریاب‌های جوان مرا دوره کردند تا با شور و شعف بگویند که ترکیه قصد دارد در این عصر جدید سرآمد شود. آن‌ها گفتند ترکیه، که بین اروپا و آسیا قرار گرفته، ملتی با پیوندهای فرامرزی است، شبیه آن چیزی که در فصل ۶ تشریح کرده‌ام.

در کپنهاگ، بعد از سخنرانی‌ام برای گروهی از مدیران شرکت‌های دانمارکی، چند نفر از حضار به من گفتند که حرف‌هایم چندان هم جدید نیست. دانمارکی‌ها مدت‌ها قبل به این نتایج رسیده بوده‌اند. حساسیت عمیق به طراحی و حسی ژرف برای طلب معنا در خون آن‌ها بوده است. تنها تغییر این بوده که بقیه‌ی دنیا نیز در همان جهت به گردش افتاده است. و در ممپی<sup>۳</sup>، پس از سخنرانی مردی به سراغم آمد تا در مورد برادرزاده‌اش حرف بزند، مرد جوان بیست و چند ساله‌ای که بر موج بزرگ بخش فناوری هند سوار بوده است. در آن اواخر مرد جوان با ابراز این‌که می‌خواهد شغل برنامه‌نویسی کامپیوتری در یک شرکت مجری فرایندهای کسب و کار آوت سورس<sup>۴</sup> شده را رها کند، والدین خود را

1. Reactor Dynamics 2. Maggie 3. Mumbai

۴. outsource، به معنی واگذاری کارکرد یک مؤسسه یا سازمان به نهادی بیرونی است - م.

1. Clive 2. Coventry 3. Samir 4. whole-minded 5. Umesh  
6. Indian Institute of Technology